

با مرزنشینان جنسیت یا ترانس سکسوال ها

بخش نخست

کاوه قبادی^۱

مقدمه

سال ۱۹۳۱ میلادی، آلمان: آبراهام، پزشک آلمانی اعلام می‌دارد: آنچه در ادبیات علمی آلمان در قرن نوزده مطرح گردیده بود، اکنون به دست او تحقق یافته است.^۲

سال ۱۹۵۲ میلادی، آمریکا: روزنامه‌ی نیویورک تایمز با تیتري تحت عنوان "EX-CL-B Comes Blonde Beauty" یک موضوع مهم پزشکی را به اجتماع بشری معرفی می‌نماید،^۳ تا مردم با چشمانی متحیر و عقولی نگران، سخنان آشفته و پیش‌بینی‌های تاریکی را در خصوص این مولود تکنولوژی ارایه نمایند.

سال ۱۹۹۶ میلادی، لندن: با شیوع و رواج این اقدام پزشکی و استقبال گسترده‌ی افراد دچار اختلال، جامعه‌ی پزشکی تصمیم گرفت جهت یکسان‌سازی مقررات و ارایه توصیه‌هایی به پزشکان در خصوص عمل و

۱- دانش‌آموخته‌ی حوزه‌ی علمیه و کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی.

۲- ریسی، فیروزه و عباسعلی ناصحی،/اختلالات هویت جنسی. ص ۱۲۳.

اقدامات قبل و بعد از آن، اقدام به تشکیل سمپوزیوم بین‌المللی در سال‌های آتی نماید.^۱

سال ۲۰۰۸ میلادی، جهان غرب: تقریباً تمام کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا (به غیر از سه کشور) و تمامی ایالت‌های آمریکا (به جز دو ایالت) این عمل را قانونی اعلام نمودند و قوانین خاصی را در جهت هرچه بهتر انجام گرفتن آن به تصویب رساندند.^۲

این تیتراها، اطلاعیه‌هایی بود از دستاوردی پزشکی که در مغرب زمین به تحقق پیوست و تحت عنوان تغییر جنسیت (sex-reassignment) به جهان معرفی گردید.

اما در این واقعه‌ی پزشکی، به راستی چه ماهیت و حقیقتی نهفته بود و چه چیز مهمی را در این جهان پهناور تغییر داده بود که به صورت گسترده دانشمندان، اندیشمندان، گروه‌ها و تشکل‌های مختلف و بسیاری را در سراسر جهان به خود مشغول نموده بود؟

حقوق‌دانان به وضع قوانین می‌پرداختند، روانشناسان پسامدها و بازخوردهای آن را بررسی می‌نمودند، جامعه‌شناسان به عکس‌العمل اجتماع و خانواده در قبال چنین عملی می‌پرداختند، اندیشمندان دینی از کلیساهای کاتولیک و پروتستان تا فقهای شیعه و سنی به بررسی و صدور احکام برای پیروان خویش مبادرت می‌ورزیدند، در جوامع مختلف تشکل‌ها و سازمان‌هایی برای حمایت یا نفی چنین عملی تشکیل می‌گردید، گروه‌های مختلف پزشکی برای بالا بردن کیفیت و تغییرات لازم در عمل جراحی، بررسی‌های پیش از عمل و حمایت‌های بعد از

۱- همان.

۲- همان.

عمل، به شور می‌نشستند و سرانجام دولتمردان تکلیف دولت را در حمایت، جلوگیری و یا هر اقدام دیگری در قبال این عمل و افراد مبتلای به آن مشخص می‌نمودند.

به نظر می‌رسد رمز تاختن این واقعه به عرصه‌هایی چون دولت، سیاست، دیانت، مذهب، قانون، حقوق، جامعه، رفتار فرد و ... یک کلمه بیشتر نبود و آن هدف قرار دادن موضوعی بنام جنسیت بود که در هر سرزمینی اعم از جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و در هر رشته، مسلک و آیینی برای خود سفارت‌کده‌ای بنیان نهاده بود، لذا با تحقق تغییر جنسیت و بررسی موضوع آن؛ یعنی ترانس سکسوال‌ها مرزهای جنسیت که زمانی آنقدر شفاف و دقیق تصور می‌شد که هیچ‌کس اجازه‌ی توهم داخل شدن در مرز دیگری را به خود نمی‌داد و پیوسته در یک طرف افراد مذکر و در سوی دیگر مؤنثین به آرامی زندگی می‌کردند، به کدوری و تیرگی گرایید و گرمای این تیرگی، تصویر منجمد شده‌ی انسان به مذکر و مؤنث را شروع به آب کردن نمود. بنابراین سفیرهای جنسیت نیز تصویر دیگری از جنسیت را پیش روی صاحبان رشته‌ها و اندیشمندان جوامع قرار دادند تا آنان نیز رفتار و اخلاق متناسب و متفاوت از گذشته را در قبال جنسیت در پیش گیرند.

لذا در این مقاله بر آنیم که وضعیت اخلاقی و رفتاری افراد دگر جنس جو (ترانس سکسوال) و میزان تأثیر تغییر جنسیت و راهکارهای موازی با آن را در مدرسانی به وضعیت رفتاری اشخاص دچار اختلال و بهبود بخشیدن به وضعیت جامعه در کشوری نظیر جمهوری اسلامی ایران بررسی نماییم؛ با توجه به این مطلب که جامعه‌ی ایران از یکسو وابستگی‌ها و دلبستگی‌های قومی، منطقه‌ای، میهنی و سابقه‌ی فرهنگی خاص خود را دارد، و از سوی دیگر، پایبند مذهب و رهنمودهای دینی

است و در کنار این دو، توجّه به این نکته که حقوق و قوانین، هر یک به شکلی، رفتار، آداب و اخلاق را تعریف می‌نمایند و در ایجاد شخصیت فرد و روابط در جامعه، به نوبه خود مهم قلمداد می‌شوند.

آشنایی با پروسه‌ی تغییر جنسیت و ترانس سکسوال‌ها

۱- معنای حقیقی تغییر جنسیت و افراد موضوع آن:

تغییر جنسیت عبارتست از پروسه‌ای که از زندگی کردن در جنس مقابل (از یک تا پنج سال) شروع شده و با استفاده از هورمون (به مدت یک سال) جهت ایجاد علایم جنس مقابل ادامه می‌یابد و سرانجام با عمل جراحی، جهت حذف آلات تناسلی فعلی و ایجاد آلت تناسلی جنسی که بیمار باید بدان ملحق شود پایان می‌یابد. البته اعمالی نظیر درمان لیزری موهای زاید و ... و همچنین مراقبت‌های بعد از عمل جراحی نیز به نوعی جزء این پروسه محسوب می‌شوند.^۱ همچنین باید توجّه داشت که تغییر جنسیت در افرادی که زن یا مرد کامل هستند و ابهامی در آنها مشاهده نمی‌شود و صرفاً به جهت تنوع طلبی اقدام به این عمل می‌کنند، به هیچ وجه امکانپذیر نمی‌باشد و تنها افرادی مورد عمل جراحی قرار می‌گیرند که نوعی اختلال دوگانگی و عدم تطابق در روان و جنسیت بیولوژیکی آنها وجود دارد.

این افراد که با عنوان «ترانس سکسوال» شناخته می‌شوند، افرادی هستند که اندام‌های تناسلی داخلی و خارجی آنها معمولاً از سلامتی کامل برخوردار است و از حیث تیپ ظاهری، دستگاه تناسلی و وضعیت

۱- روز نهران، دیوید و مارتین ای. پی. سلینگمن، روانشناسی نابهنجاری - آسیب‌شناسی روانی،

کروموزومی به یکی از گروه‌های مؤنث یا مذکر ملحق می‌شوند، ولی به دلیل اختلال در هویت جنسی (Genderidentity) از جنسیت بیولوژیکی فعلی خود، احساس نارضایتی می‌کنند و میل به داشتن بدن جنس مقابل و آرزوی شمرده شدن به عنوان عضوی از جنس مقابل را پیوسته در سر می‌پروراند و دائماً تلاش می‌نمایند تا خود را به عنوان عضوی از جنس مقابل در جامعه، معرفی نمایند.^۱

این افراد در فقه به مُخَنَّث مشهور هستند و هرگز نباید مترادف با خُنْثی فرض گردند، زیرا افراد خُنْثی گروهی هستند که از نظر فیزیولوژیکی (نه روانی) دارای مشکل بوده و به نوعی در دستگاه تناسلی آنان مشکلی به وجود آمده است و خوشبختانه امروزه جامعه‌ی پزشکی با تعیین ملاک‌ها و آزمایش‌ها و گروه‌بندی‌های خاص در اختلالات دو جنسی، قبل از این که هیچ‌گونه عمل جراحی صورت گرفته باشد، جنسیت آنان را مشخص می‌کند^۲ و عمل جراحی فقط جهت بهبودی آنها صورت می‌گیرد.^۳ در صورتی که در مخنثین قبل از اتمام مراحل هورمونی و جراحی، الحاق به جنس مخالف، چه از نظر پزشکی و چه از نظر فقهی، مقدور نمی‌باشد.

۲- ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری ترانس سکسوال‌ها (دگر جنس جوها)^۴

مرد دگر جنس جو مردی است که احساس می‌کند:

۱- کاپلان، هارول، خلاصه روانپزشکی.

۲- همان، ص ۳۹۶.

۳- این عمل را اصطلاحاً عمل تعیین جنسیت یا اصلاح جنسیت می‌نامند.

۴- خلاصه‌ی متن تجدید نظر شده‌ی چهارمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی انجمن روانپزشکان آمریکا ۲۰۰۰، صص ۲۴۶-۲۴۷.

- زنی است که در کالبد مرد گرفتار شده است؛
- می‌خواهد از شر اندام‌های تناسلی خود خلاص گردد؛
- ویژگی‌های جنسی زنانه را طلب می‌کند؛
- دوست دارد همانند یک زن زندگی کند؛
- این بدن او را منزجر می‌کند؛
- تصور این که مجبور است در تمام زندگی خود در این بدن بماند او را ناامید، افسرده و گاه به فکر خودکشی می‌اندازد؛
- گاهی به فکر قطع کردن یا ناقص نمودن اندام‌های تناسلی خود می‌افتد و در برخی موارد آن را عملی می‌سازد؛
- برای ملحق شدن به گروه زنان به هر اقدامی دست می‌زند؛ از جمله این که لباس‌های زنان را می‌پوشد؛
- قبل از بلوغ جنسی به طور انحصاری با دختران بازی می‌کند؛
- در دوران کودکی عروسک‌بازی می‌کند و به خیاطی و گلدوزی علاقه نشان می‌دهد؛
- از بالا رفتن از درختان، جنگ و دعوا خودداری می‌کند؛
- در هنگام بلوغ از طرف همسالان خود به القابی چون اوا خواهر و ... منسوب می‌شود؛
- از نظر سابقه جنسی هر چهار حالت در او شناخته شده است (میل به مردان، زنان، هر دو یا هیچ کدام)؛
- معمولاً تجارب هم‌جنس‌گرایانه را در سوابق خود دارد.
- زن دگرجنس‌جو زنی است که احساس می‌کند:
- مردی است که در کالبد زن گرفتار گردیده است؛
- دوست دارد ویژگی‌های مردانه را کسب کند و همچنین تمایل دارد مانند مردان زندگی کند؛

- خودکشی، افسردگی و ناامیدی که به واسطه‌ی انزجار از بدن زنانه است، از خصوصیات آنها می‌باشد؛

- لباس‌های پسران و مردان را می‌پوشد و در اجتماع حاضر می‌شود؛

۳- سبب شناسی

هنوز به درستی مشخص نیست که چه عامل یا عواملی دست به دست هم می‌دهند تا در بین جمعیت‌ها، از هر سی هزار مرد یک نفر و از هر ده هزار زن یک نفر،^۱ چنین رفتار و واکنش‌های متناقض با جنسیت بیولوژیکی را از خود بروز دهد. اما روانشناسان نظرات متعددی را در این خصوص بیان نموده‌اند که می‌توان آنها را به دسته‌ی کلی تقسیم‌بندی نمود:

۱- نظریه‌ی بیولوژیکی:

الف - استرس پیش از تولد: میزان همجنس‌خواهی در میان پسرانی که در سال‌های فشار جنگ جهانی دوم (۱۹۴۱ تا ۱۹۴۶ میلادی) متولد شده‌اند، افزایش یافته است.^۲

ب - اختلالات هورمونی: هر نوع محرک شدید هیجانی و شیمیایی در دوران آبستنی مادر، مانند: بیماری‌های عفونی، مصرف داروهای هورمونی و انواع شیمی‌درمانی، بر روی کودک و در نهایت هویت جنسی او اثر خواهد گذاشت.

ج - مشکلات مغزی و سیستم عصبی مرکزی: مانند انواع ضربه‌های مغزی در طول دوران جنینی و کودکی.^۳

۱- کاپلان، هارولد و بنیامین سادوک و جک گرب، خلاصه‌ی روانپزشکی، ج ۲، ص ۴۶۷.

۲- رئیس، فیروزه و عباسعلی ناصحی، اختلال هویت جنسی، ص ۶۲.

۳- سادلر، تی، روانشناسی پزشکی لانگمن، صص ۱۳۰-۱۳۵.

۲ - نظریه‌های روانی - اجتماعی:

الف - عدم رضایت والدین از جنسیت کودک: برخی والدین این موضوع را به وسیله سخن، نگاه یا شیوه‌های برخورد با فرزندشان بروز می‌دهند. از سوی دیگر، کودک که نیاز به محبت از طرف والدین را شدیداً در خود احساس می‌کند، سعی می‌نماید تا با همانندسازی با جنس مخالف، توجه آنها را به سوی خود جلب نماید. این مطلب در خانواده‌هایی که به گونه‌ای «جنس برتر» در آنها مطرح می‌گردد مشهود است.

ب - والد همجنس پرخاشگر: والد همجنس که خود، دچار افسردگی و ناراحتی‌های روحی است، عملاً با قطع رابطه‌ی عاطفی با فرزند، زمینه را برای همانندسازی با والد جنس مخالف فراهم می‌سازد.

ج - روابط تیره‌ی پدر و مادر: این گونه روابط محیط را جهت همانندسازی غیر متعارف برای کودک آماده می‌سازد.

د - تجربه صحنه‌های آمیزش جنسی در دوران کودکی: این تجربه شامل دیدن، شنیدن، هر نوع حرکت، بو و ... می‌باشد که تثبیت آن سبب تعارضات روانی در همانندسازی کودک با پدر و مادر خواهد گردید.

ه - روابط عاطفی شدید با والد جنس مخالف: در حد تماس بسیار نزدیک پوستی که سبب روابط عاطفی زیاد و همانندسازی نامناسب می‌گردد.^۲

۱- خدیوی زند، محمّد، بررسی مشکلات روان جنسی کودکان و نوجوانان، ص ۱۵-۱۷.

۲- ریسی، فیروزه و عباسعلی ناصحی، اختلال هویت جنسی، ص ۶۴.

و - نبود الگوی همجنس یا نبود الگوی مناسب همجنس:^۱ چنین حالتی، همانند سازی با جنس مخالف را پایه‌ریزی خواهد کرد.

ز - تمایلات همجنس‌گرایانه در والد همجنس و القای آن به فرزندان: این موضوع، به صورت غیر مستقیم یا مستقیم، عامل مهمی در ایجاد بی‌هویتی جنسی تلقی می‌شود.

ح - تجاوز و سوء استفاده‌های جسمی و جنسی: چنین وضعیتی به شدت در شکل‌گیری شخصیت جنسی کودک تأثیرگذار می‌باشد.

۲ - بررسی پیشینه‌ی اخلاق جنسی و رفتار دگرجنس‌جویی در جهان غرب، اسلام و ایران

۱- تاریخچه‌ی اخلاق جنسی در زادگاه تغییر جنسیت

بررسی این تاریخچه از این نظر مهم است که:

اولاً: پیشینه‌ی اخلاق و رفتارهای جنسی در غرب، ما را به علل ادبار یا اقبال عرف به موضوعی چون تغییر جنسیت، رهنمون می‌سازد.

ثانیاً: با مقایسه‌ی بستر فرهنگی و اخلاقی غرب که در آن تغییر جنسیت به وقوع پیوسته است و واکنش جامعه‌ای که از چنین فرهنگی برخوردار بوده است با فرهنگ‌هایی نظیر فرهنگ کنونی مردم ایران، می‌توان میزان پذیرش یا عدم پذیرش جامعه بهبودی‌ها یا معضلات اخلاقی و به‌طور کلی میزان کارآمدی یا ناکارآمدی تغییر جنسیت در بهبود بخشیدن به مشکلات رفتاری بیماران دچار اختلال در ایران را تا حدودی مشخص نمود.

۱- مهرابی، فریدون، «بررسی برخی ویژگی‌های تبادله‌خواهی جنسی در بیماران ایرانی، در: اندیشه و

رفتار»، سال دوم، ش ۳، ص ۷.

بر این اساس، در ادامه سه دوره‌ی مهمی را که بر اخلاق جنسی در غرب گذشته است بررسی می‌کنیم:

الف- دوران پلیدی تمایلات جنسی:

«سال ۱۹۴۷ میلادی در غارهای فلسطین در کرانه‌ی بحرالمیت، نسخه‌هایی از عهد عتیق و برخی آثار مکتوب اسنیان (شفادهندگان - تعمیددهندگان)، فرقه‌ای از یهودیان که در حدود دو قرن پیش از میلاد به وجود آمده و با خراب شدن اورشلیم از بین رفته بودند، به دست آمد و حقایق عجیبی را در خصوص ریشه اخلاق جنسی در غرب نمایان ساخت. به عقیده‌ی برخی دانشمندان، افکار این فرقه که از جمله‌ی آنها عدم نگاه مثبت به ازدواج بود، زیربنای تفکر مسیحیت فعلی گردید.»^۱

با خزش این نظر به درون کلیسا و پیوند خوردن این اندیشه با ازدواج نکردن حضرت مسیح و حواریونی چون پولس و تفکراتی چون فراغت برای خدمت به دین و وقف نمودن جسم و روح برای کلیسا، نامطلوبی ازدواج از نگاه دین متولد گردید.

«تولد این نگاه، روحانیون کاتولیک را از ازدواج محروم ساخت. کلیسای ارتودوکس، کشیشی که ازدواج کرده باشد را از رسیدن به درجه‌ی اسقفی منع نمود و بالاخره برای راهبان و راهبه‌های کاتولیک و ارتدوکس، راهی جز مجرد زیستن باقی نگذاشت.»^۲

این مولود به زیستن در کلیسا رضایت نداد و به شکل قوانین و احکام دینی که از دهان کشیشان بیرون می‌ریخت از کلیسا خارج نشد و پلیدی

۱- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۱۸.

۲- همان، ص ۱۸۴.

علاقه و آمیزش جنسی و دعوت به تمدن در قالب رهبانیت را در درون جامعه گسترش داد.

برتراند راسل در نقد این نظریه به برخی از تعلیمات کلیسا اشاره می‌نماید:

«هر گونه رابطه‌ی جنسی ناپاک است، این عقیده با جزیی اصلاح، اعتقاد کلیسای مسیحیت محسوب گردید.»^۱

«تولید نسل هدف فرعی بوده و هدف اصلی ازدواج، همان جلوگیری از فسق بوده است که در حقیقت، دفع افسد به فاسد شمرده می‌شود.»^۲

«این نظریه که همچنان تا دهه‌ی هفتاد قرن نوزده میلادی بر جامعه غرب حکمرانی می‌نماید، آنچنان با قدرت و تأثیرگذار به پیش می‌رود که حتی اقشار متفکر و اندیشمند قرن نوزده را نیز مقهور خود می‌سازد و آنان نیز تمایلات جنسی را تمایلاتی غیر اخلاقی، نظیر فاحشگی می‌دانند که در جمعیت‌های فقیر، به ویژه کارگران شهرنشین معمول است و طبقات بالا باید از آن دوری نمایند. حقوق دانان تمایلات جنسی را در ردیف شورش‌های سیاسی محسوب می‌نمایند. پزشکان بر روی قدرت مهار غریزه‌ی جنسی توسط مردها تأکید می‌کنند و به مردها (متأهل و مجرد)، توصیه می‌کنند که این غریزه را محدود کنند.

«از نظر روانی، زنان در این دوران موجوداتی محسوب می‌شوند که به صورت طبیعی بدون تمایل جنسی هستند و غرایز اصلی زنانگی آنها، تمایل به ازدواج و مادر شدن می‌باشد. در دهه‌های سی و چهل

۱- راسل، برتراند، *زناشویی و اخلاق*، ص ۳۶.

۲- همان، ص ۳۱.

(قرن نوزده میلادی) طب پیشگیری با هدف تنظیم رفتارهای جنسی و جلوگیری از بروز بیماری‌های مقاربتی پایه‌ریزی می‌شود.

در دهه‌ی شصت، قوانین بیماری‌های مُسری وضع می‌شود و زنان روسپی، ناقلان انسانی عفونت و تهدیدکننده‌ی سلامت و امنیت ملی محسوب می‌شوند و برای آنان کیفرهایی چون حبس در بیمارستان و پرداخت جریمه وضع می‌شود.^۱

در همین دوران در روانپزشکی برای اوّلین بار اختلال دگرجنس‌باوری توسط اسکیرول در سال ۱۸۳۸ میلادی مورد توجه قرار می‌گیرد.

ب- حکومت اخلاق بر تمایلات جنسی:

با حضور نسبتاً جدی زنان در اجتماع، تشکیل انجمن‌های بانوان و وارد شدن آنها در عرصه‌ی سیاست و قانون‌گذاری، تغییر و تحولاتی در تاریخچه‌ی اخلاق جنسی و جنسیت رقم خورد. از این دوران به بعد (یعنی دهه‌ی هفتاد قرن نوزده میلادی) نگرش منفی نسبت به تمایلات جنسی برداشته می‌شود. تمایلات جنسی نیرویی محسوب می‌گردد که به خودی خود نه موصوف به خوبی می‌شود و نه می‌توان آن را به بدی توصیف نمود، بلکه این انسان‌ها هستند که با مراقبت‌ها و حاکم نمودن نظام‌های اخلاقی، باید این نیرو را تربیت نمایند.

به همین دلیل، گروهی از زنان علّت درخواست لغو قانون بیماری‌های مسری را چنین عنوان می‌نمایند:

اساس سلامتی افراد و جامعه، مراقبت از خود در روابط بین دو جنس است. تنها این گونه می‌توان بر مشکلات اجتماعی ناشی از بیماری‌های

۱- ریسی، فیروزه و عباسعلی ناصحی، *اختلال هویت جنسی*، صص ۱۰-۱۲.

مقاربتی فایق آمد، نه با کنترل افرادی خاص (مانند زن‌های روسپی) در اجتماع.

بلک ول، اولین پزشک زن، در کتاب خود، به نام *عوامل انسانی در رفتار جنسی*، سال ۱۸۸۴ میلادی، در این زمینه چنین می‌نویسد:

«اخلاق، ناشی از تکامل در خودآگاهی است که فقط در گونه‌های انسانی دیده می‌شود و باید بر غریزه‌ی جنسی حکومت کند. پرهیز، کنترل خود و مراقبت، بالاترین اشکال رشد جنسی هستند، چرا که فقط در انسان‌ها دیده می‌شوند. تمایلات جنسی قادر است هم به سوی خوبی‌ها و هم به سمت بدی‌ها پیش برود؛ هم به سمت لذت و هم به سمت انحراف».^۱

در سال ۱۸۸۶ میلادی کرافت ایننگ،^۲ اختلال در هویت جنسی را، دقیق‌تر مورد بررسی قرار می‌دهد.^۳

ج- مدرنیسم جنسی:

با پایان یافتن دوره‌ی دوم در اواخر قرن نوزدهم، دوره‌ی مدرنیسم جنسی آغاز می‌گردد. در این دوره، اخلاق جنسی به گونه‌ای بسیار متفاوت تعریف می‌شود: «ایجاد روابط شخصی مستقل از کلیسا یا دولت، آزادی فرد، نگرش باز نسبت به جنس، روابط جنسی آزاد^۴ و...».^۵

۱- همان، صص ۱۲-۱۳.

2- Kraft-ebing.

۳- همان، ص. ۵۲.

4-Free Love.

۵- همان، ص ۱۴.

بر اساس روابط جنسی آزاد، برخی اندیشمندان غربی در این دوره، اکیداً به معاشرت‌های لذت بخش توصیه می‌کنند. به اعتقاد آنها ازدواج نمی‌تواند و نباید مانع و سدی در مقابل این معاشرت‌ها تلقی گردد؛ زیرا فلسفه‌ی ازدواج و انتخاب همسر قانونی، اطمینان‌پدر است به پدری خود. در این زمینه، زن تنها مکلف است که در حین آمیزش با عشاق خود از داروهای ضد آbstینی استفاده کند تا منجر به کمونسم جنسی نگردد و رابطه‌ی نسلی میان پدران و فرزندان قطع نشود.

برتراند راسل در این زمینه چنین می‌گوید:

«دلیلی نیست که مادری، برای پدری اطفال خود، همان مردی را انتخاب کند که خاطرش را برای رفاقت و عاشقی می‌خواهد. لذا جهت حفظ مقام پدرانه و رفتار عاشقانه، اولاً عشق بدون بچه باید آزاد باشد، و ثانیاً، ایجاد اطفال، باید تحت مقرراتی شدیدتر از آنچه امروز هست قرار گیرد».^۱

راسل این روش؛ یعنی عدم تلازم بین روابط عاشقانه با تولید نسل را یکی از روش‌های مناسب جهت بهبود نژاد (شبه آنچه که افلاطون بیان کرده است) قلمداد می‌کند و چنین می‌گوید:

«در این حالت، اجتماع می‌تواند فقط به زنان و مردان معینی که از لحاظ شخصی و ارثی، واجد شرایط باشند اجازه‌ی تولید نسل بدهد. آن زنی که پروانه‌ی تولید نسل دارد از مردانی که از لحاظ ارثی ارجح شناخته شوند برای تخم‌گیری و تولید نسل استفاده می‌کند، در حالی

۱- راسل، برتراند، زناشویی و اخلاق، ص ۱۲۲.

که مردان دیگری که عشاق خوبی خواهند بود از حق پدري محروم خواهند بود.^۱

از خصوصيات ديگر اين دوره اين است که ديگر پاسخ مثبت يا منفي و يا دفع و پذيرش اجتماع، ملاک نيست بلکه مسائيل مربوط به جنس به بحث گذاشته مي شود.^۲ و به همين خاطر، «در اين دوران موضوعاتي نظير ستر عورت، ممنوعيت ازدواج با محارم، منع نشر صور قيحه، استمناء، تمايل به هم جنس، سقط جنين، آميزش در ايام عادت و امثال اينها مورد بحث واقع مي شود. بعضي از اين موضوعات از قبيل: لزوم ستر عورت و منع نشر صور قيحه صريحاً مورد انتقاد قرار گرفته و بعضي ديگر چون استمناء از حوزه اخلاق خارج دانسته شده و در قلمرو طب به شمار مي آيد و بحث ممنوعيت اخلاقي به سلامت يا عدم سلامت شخصي مبدل مي شود.»^۳

با اجرائي شدن اين تئوريها و نظرات، انطباط جنسي به آسفتگي غريزه تبديل مي شود، عفت و حيا به گورستان روانه مي گردد، قانون دوم راسل هيچ گاه تحقق نمي يابد و کودک انامشروع هر روز بيش از ديروز در رحم اجتماع جايگزين مي شود، روابط جنسي آزاد با معرفي پديده طلاق، خانواده هاي مستحکم را محترمانه در هم مي کوبد، با توليد انبوه فحشا و برهنگي، قاره ها و کشورهايي نيز که دوران فرهنگي و جنسي کاملاً متفاوتي را طي نموده اند از آن برخوردار مي شوند. بيماري هاي مقاربتی، مانند گونه هاي مقاوم گونوره، سوزاک و سفليس

۱- همان، ص ۲۱.

۲- ريبي، فيروزه و عباسعلي ناصحي، *اختلال هویت جنسي*، ص ۱۴.

۳- مطهري، مرتضي، *اخلاق جنسي در اسلام و جهان غرب*، صص ۳۵-۳۶.

در حدّ وسیع به جامعه اهدا می‌گردد، و بالاخره، ایدز به خانه‌های زنان روسپی و مردان هم‌جنس‌گرا، قناعت نمی‌کند و بر خشک و تر جامعه می‌تازد و در کلیه‌ی مداخلات اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شرکت می‌نماید.

همچنین درمان هویت جنسی افراد دگر جنس‌جو در قالب عمل جراحی تغییر جنسیت نیز، یکی از راهکارها و روش‌هایی بود که در این دوره (مدرنیسم جنسی) و در امتداد نظریه‌ی عشق آزاد و اجتماعی آسان‌تر، برای افراد دچار اختلال در غرب تولید گردید.

اما این روش که در بستری این چنین متولد گردیده بود و در حرارت نفس‌های خود، عشق آزاد غرب را منتقل می‌کرد، به چه میزان می‌توانست به جامعه جهانی کمک کند؟ آیا هر فرهنگ و ملت‌ی قابلیت پذیرش این روش را داشت؟ آیا هر فرقه، مذهب، مسلک و دینی از آن استقبال می‌نمود؟ آیا این روش، جنگی را علیه تعصبات برخی جوامع اعلام نموده بود و آیا عرصه‌ی تعصبات، جنگی برابانه، مغلوبانه یا غالبانه برای این روش پزشکی محسوب می‌گردید؟ آیا این روش، رفتارها و برخوردهای درون یک خانواده را به سمت و سوی بهبودی پیش می‌برد یا این که از سوی خانواده‌ها به عنوان معضل و مشکلی دیگر تلقی می‌گشت؟ آیا این روش همسو و مقوم اخلاق در فرد و جامعه بود یا به نحوی فرد را به سوی ولنگاری و جامعه را به سمت بی‌بند و باری هدایت می‌کرد؟ و سرانجام، آیا اساساً این روش از کارایی لازم بهره‌مند بود تا مجامع مرتبط و یا حکومت‌ها، بیماران و افراد دچار اختلال را به استفاده از آن تشویق و ترغیب نمایند؟

آنچه مسلم است آن است که هیچ‌گاه جواب واحدی برای سؤالات فوق‌ارایه نشد، بلکه پاسخ به این سؤالات به جامعه و فرهنگی که سؤال

در آن طرح گردیده بود محوّل گردید، لذا هر جامعه‌ای نیز پاسخ متناسب و درخور وضعیّت، شأن، مسلک و مذهب خود را در پیش روی این سؤالات مکتوب داشت.

از جمله‌ی این جوامع، جهان اسلام بود که از منظرگاه فقه و با چشمانی پویا تلاش نمود تا با در نظر گرفتن تمامی ابعاد و زوایای این روش که تبعات شرعی بسیار گسترده داشت، تکلیف پیروان خود را مشخص نماید و جواز یا عدم جواز ورود این سفیر غرب را که سفیر رهایی، برای افراد دچار اختلال می‌نواخت به دنیای اسلام صادر نماید. در این راستا، ابتدا وضعیت، نحوه‌ی برخورد و رفتار با ترانس سکسوال‌ها را در صدر اسلام (که معمولاً بحث برانگیز نیز می‌باشد) بررسی می‌کنیم و سپس دیدگاه فقهای معاصر را نسبت به این افراد و پروسه‌ی تغییر جنسیت، ارزیابی می‌نماییم تا جایگاه و مختصات آنها در جامعه‌ی اسلامی دقیقاً مشخص گردد.

۲ - جهان اسلام

الف- نحوه‌ی برخورد با ترانس سکسوال‌ها^۱ در صدر اسلام:

در صدر اسلام این افراد به کیفرهایی نظیر قتل، تبعید، حبس و ... محکوم می‌شدند و رفتار آنان به شدت مورد سرزنش و عقوبت قرار می‌گرفت. در این رابطه به برخی احادیث که از طریق اهل سنت بیان گردیده و گویای نحوه‌ی برخورد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با این افراد و

۱- از ترانس سکسوال‌ها در ادبیات روایی و فقهی به مَحْنَث یاد شده است. البته با این تفاوت که مبدل پوشان (افرادی که بدون نارضایتی خاصی از جنسیت خود، علاقه‌ی مفرضی به پوشیدن لباس‌های جنس مخالف را دارند) نیز جزء مَحْنَثین محسوب گردیده‌اند؛ یعنی به طور دقیق، مَحْنَثین هم شامل ترانس سکسوال‌ها و هم مبدل پوشان می‌شود.

جایگاه چنین رفتاری در جامعه‌ی اسلامی در صدر اسلام است اشاره می‌نماییم.

به طور کلی چند دسته روایت در خصوص این افراد ذکر شده است:

روایاتی که فقط به لعن این افراد اشاره دارد:

محمد بن فضیل، از یزید بن ابی‌زیاد، از عکرمه، از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«لعن الله المتخشين من الرجال و المترجلات من النساء»؛ خداوند لعنت کرده مردانی که خود را به شکل زنان و زنانی که خود را به شکل مردان در می‌آورند.^۱

خروج این گونه افراد از اسلام (البته به نظر می‌رسد که از باب مبالغه باشد):

حمید ابن عبدالرحمن، از حسن از ابراهیم بن عبدالاعلی، از سوید بن عفله نقل کرده که پیامبر ﷺ فرمود:

«المتشبه بالرجال من النساء ليست منا و لسا منها»؛^۲ زنانی که خود را شبیه مردان می‌کنند از ما نیستند و ما نیز از آنها نیستیم.

قطع رابطه با این گونه افراد:

وکیع، از هشام، از پدرش، از زینب بنت امّ سلمه نقل کرده است:

«أن نبی ﷺ دخل علیها و سمع المخنث و هو یقول لعبد الله ابن ابی امیه اخیها: ان یفتح الله الطائف غداً دلتک علی امرأه تقبل باربع و تدبر بثمان، فقال نبی ﷺ اخرجوهم من بیوتکم»؛ پیامبر اکرم ﷺ بر ام سلمه وارد شد و صدای مخنثی را شنید که به عبدالله بن ابی‌امیه، برادر ام سلمه می‌گفت: اگر فردا خدا طائف را باز گشاید به تو

۱- ابی‌شبیبه، ابوبکر عبدالله بن محمد الکوفی، المنصف، ج ۵، ص ۳۱۹

۲- ابوالمحمد، عبدالعظیم بن عبدالقوی المنزری، الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۷۵ ابن ابی‌شبیبه،

المنصف، ج ۵، ص ۳۱۹.

نشان می‌دهم زنی را که فلان است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود آنها را از خانه‌هایتان بیرون کنید.^۱

بیان عقوبت ایشان:

ابن منذر از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند:

«ثلاثه لا يدخلون الجنة ابدأ: الديوث، رجله النساء و المدمن الخمر»؛
از پیامبر پرسیدند: دیوث چه کسی است؟ گفت کسی که جلوی افراد
بیگانه را که به خانه‌اش وارد می‌شوند نمی‌گیرد. گفتند: رجله من النساء
چه کسی است؟ گفت: زنی که خودش را شبیه مردان در می‌آورد.^۲

بیان حکم فقهی ایشان:

فردی به نام هیت در زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌زیسته و مردم،
او را از آن جهت که ظاهری مردانه داشته ولی گفتار و رفتارش
شبه زن‌ها بوده خُتبی می‌شمردند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از لحن کلامش
متوجه گردیدند که کشش جنسی به زنان دارد و او را به
نقیع که منطقه‌ای بیرون از مدینه بود تبعید فرمودند. این مرد در عصر
خلفا به ابوبکر و عمر مراجعه نموده و درخواست بازگشت به شهر را
داشت، اما آنها وی را در تبعیدگاه نگه داشتند تا این که در خلافت
عثمان که پیر شده بود اجازه یافت جمعه‌ها به شهر برگردد.^۳ همچنین
آمده است:

إن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عزر المختنئين بالنفي و يأمر باخراجهم من المدینه و
قال اخر جوههم من بيوتكم».

۱- الغمری، ابو عمر یوسف ابن عبد الله بن عبد البر، ج ۲۲، ص ۲۷۶. التمهید، صحیح المسلم، ج ۴، ص ۱۷۱۵؛ النسائی، احمد بن شعیب ابو عبد الرحمن، السنن الکبری، ج ۵، ص ۳۹۵.
۲- هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۳۲۷.
۳- القرطبی، محمد ابن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۲، ص ۲۳۱.

بررسی روایات

باید توجه داشت که واژه‌ی مَخْتَّ اعم از کسی است که دچار اختلال در هویت جنسی است و نیز افرادی که به مبدل‌پوشی روی آورده‌اند. بنابراین آنچه گذشت، مبدل‌پوشان هرگز تحت عمل جراحی یا هورمونی برای درمان قرار نمی‌گیرند و درمان آنها به مراتب آسان‌تر است، لذا در مورد روایات باید به این نکته توجه داشت؛ کسانی که احکام، دستورات و یا تنبیهاتی برای آنان توسط پیامبر ﷺ صادر گردیده، به صورت دقیق معلوم نمی‌باشد که جزء کدام‌یک از دو گروه ذکر شده، بوده‌اند.

مطلب دیگر این که سند احادیث عموماً مورد پذیرش امامیه نمی‌باشد، ولی فرق دیگر معمولاً سند احادیث را صحیح می‌دانند.

بنابراین، با توجه به این که بپذیریم حداقل تعدادی از روایات به مختّین اختصاص یافته و آنها همان بیماران دچار اختلال هویت جنسی (ترانس سکسوال‌ها) بوده‌اند و سند احادیث را نیز قبول داشته باشیم، باید عملکرد و واکنش پیامبر ﷺ را در خصوص این افراد در دو مقوله بررسی نماییم:

الف: ایجاد انگیزه در خصوص ترک رفتار زنانه در ایشان و عدم بروز این رفتار در اجتماع با سه اهرم:

۱- وعده‌ی عذاب اخروی: مانند روایاتی که دلالت بر عدم داخل شدن ایشان به بهشت می‌کند و همچنین روایاتی که متضمن لعن خداوندی می‌باشد.

۲- وعده‌ی عذاب دنیوی: روایاتی که دلالت دارد بر تبعید و قتل ایشان در موردی که دچار فحشا و اموری مانند لواط و سُحق می‌شدند.

۳ - تهدید به انزوای اجتماعی: روایاتی چون خروج از دایره‌ی مسلمین و قطع رابطه با این گونه افراد.

ب: ترجیح مصلحت اجتماعی بر مصلحت فردی: به نظر می‌رسد وقتی وعده‌ها و تهدیدها در خصوص فردی مفید واقع نمی‌شود، (هر چند این رفتار منشأ هویتی داشت و فرد قادر به ترک آن نبود و به عبارت دیگر یک رفتار اجباری تلقی می‌شود)، در این صورت، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ناچار مصلحت اجتماع را بر مصلحت آن شخص ترجیح می‌داد و او را از اجتماع دور می‌ساخت تا منجر به مفاسد و نابهنجاری‌های اجتماعی نگردد.

در ضمن، به این نکته اساساً باید توجه نمود که هر چند عمل شخص فی نفسه مجرمانه نبوده است لکن با توجه به شرایط زمانی و عدم پیشرفت مسایل پزشکی و روانپزشکی و همچنین رواج فساد و فحشا که این گونه رفتارها زمینه ساز آن بوده است، چاره‌ای جز از دسترس خارج کردن شخص در قالب زندان یا تبعید و یا محو آن از طریق قتل، متصور نبوده است؛ زیرا با وجود چنین شخصی در اجتماع و نبود روش درمانی مناسب و همچنین عدم قدرت بر ترک رفتاری که منشأ هویتی دارد، یا باید دست فرد در انجام آن اعمال باز گذاشته شود و با او مدارا گردد، هر چند که باعث فساد در اجتماع گردد و یا به گونه‌ای او را از اجتماع جدا نمود.

مشاهده می‌نماییم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ راه دوم را اختیار نموده است و در این راه نیز، خفیف‌ترین آنها؛ یعنی تبعید (نفی بلد) را بر زندان و قتل ترجیح داده است، و همچنین، علاوه بر نفی بلد که در جهت مصونیت اجتماعی اعمال شده، جریمه و تنبیه شخصی نظیر حدّ و تعزیر توسط تازیانه و یا تنبیهات دیگری در نظر گرفته نشده است و همین مطلب

دلالت بر غیر مجرمانه بودن آن می‌کند و چه بسا اگر به طریق دیگری چون درمان، فرد قادر به زندگی سالم در درون اجتماع می‌بود و مصلحت اجتماعی محافظت می‌گشت، حکم تبعید هرگز اجرا نمی‌گردید.

ب- جهان اسلام، فقه‌های معاصر، ترانس سکسوال‌ها و تغییر جنسیت

در قرن حاضر در کشورهای مختلف اسلامی، نوع نگاه به رفتار و اخلاق این افراد بسیار متفاوت بوده است و اندیشمندان دینی، متفکران حقوقی، جامعه‌شناسان، پزشکان و ... در نحوه‌ی برخورد و صدور احکام و قوانین، هر یک به گونه‌ای عمل نموده‌اند.

به عنوان نمونه، در مذهب اهل سنت، این افراد از محدودیت بیشتری رنج می‌برند؛ زیرا اکثر قاطع فقها و مجامع اهل سنت، تغییر جنسیت افرادی را که دچار چنین اختلالی می‌باشند حرام می‌دانند. هیأت علمی علمای بزرگ در دوره ۳۹ در شهر طائف در تاریخ ۱۴۱۳/۲/۲۴ قمری و مجمع فقهی اسلامی در ۱۳ رجب ۱۴۰۹ میلادی رأی خود را چنین اعلام نمودند:^۱

جایز نیست برای مذکری که اعضای ذکورش کامل شده و مؤنثی که اعضای مؤنثش کامل شده، این عمل را انجام دهند. کسی که این کار را انجام دهد، فاعلش مورد عقوبت قرار می‌گیرد؛ زیرا که چنین کاری تغییر در خلقت خداوند است و خداوند تعالی این تغییر را

۱- رابطة العالم الاسلامی، قرارات المجمع الفقہی الاسلامی، ۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۲ م / ص ۲۶۲؛ کنعان،

احمد محمد، الحب والجنس، ص ۴۰.

از قول شیطان خبر داده است: ﴿وَلَا مُرْتَبَهُمْ فَلْيَعْيُرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ﴾^۱، و در صحیح مسلم از ابن مسعود روایت شده که پیامبر فرموده: «لعن الله الواشحات و المستوشحات و النامصات و المستمصات و المتفلجات للحسن المغیرات خلق الله»^۲. کاری که لعنت پیامبر خدا در آن است و از طرفی در کتاب خداوند عزوجل نیز آمده است که: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^۳ پس قطعاً چنین عملی جایز نیست.

کنگره‌ی دایمی و پژوهش علمی و افتاء کشور عربستان سعودی نیز در این زمینه، نظر مشابهی را ارایه نموده است.

این در حالی است که در مذهب تشیع تعداد زیادی از فقها، برای رهایی این افراد از دام این بیماری و آزادی عمل بیشتر در رفتار فردی و اجتماعی، این عمل را برای آنان مجاز می‌دانند^۴ و تعداد دیگری شدیداً با چنین عملی مخالفت می‌کنند و قایل به ممنوعیت مطلق می‌باشند.^۵

۳- تاریخچه‌ی وضعیت ترانس سکسوال‌ها در ایران

متداول شدن واژه‌ی ترانس سکسوال از سال ۱۹۵۲ میلادی، بعد از تغییر جنسیت ژرژ جانسون به کریستین جانسون بوده است و تشخیص این

۱- نساء / ۱۱۹. ترجمه: «...و ادارشان می‌کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند...».

۲- البیهقی، احمد ابن الحسین بن علی بن موسی ابوبکر، سنن البیهقی الکبری، ج ۷، ص ۳۱۲ - النیشابوری، مسلم بن الحجاج ابوالحسین القشیری، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۷۸.

۳- حشر/۷. ترجمه: «... و آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید...».

۴- امام خمینی (ره)، آیه الله خامنه‌ای، آیه الله سیستانی، محمد آصف محسنی در افغانستان، محمد حسین فضل الله در لبنان، خرازی و ...

۵- آیه الله خویی، آیه الله گلپایگانی، آیه الله مدنی تبریزی و ...

اختلال به سال ۱۸۳۸ میلادی برمی گردد و اولین فرد ثبت شده‌ی مبتلا را، شوالیه ائون بی مانت^۱ می‌دانند، ولی به نظر می‌رسد این اختلال، تاریخی به قدمت حیات بشر و جغرافیایی به وسعت تمام مرزهای کره‌ی خاکی داشته باشد.

در بررسی تاریخی این اختلال در ایران، مشخص نمودن اختلالی به نام ترانس سکوالیسم در گذشته‌های بسیار دور، امر مشکل و شاید غیر ممکن به نظر برسد، ولی پیدا کردن نشانه‌ها، اخلاق و رفتاری که حاکی از این اختلال بوده است، آنچنان مشکل نیست؛ خصوصاً وقتی به این نکته توجه نمایم که در کتاب‌های ادبیات، دیوان شاعران، سفرنامه‌های مستشرقین، کتب تاریخی و در نوشته‌هایی که آداب و رسوم ملل مختلف را توضیح می‌دهد به افرادی با عناوین خاص^۲ و اخلاق و رفتاری متفاوت با جنسیت ظاهریشان اشاره شده است و هر کدام از مشرب‌ها و مسلک‌ها، به گونه‌ای رفتار و اخلاق آنان را ترسیم نموده‌اند. ادیبان و شاعران گاه آنان را بازیگران نقش هجو دیوان‌های خود قرار داده‌اند و زمانی به شماتت آنان پرداخته و در مواقع دیگر شجاعتشان را تحسین نموده‌اند. در کتب تاریخی یا بی‌طرفانه، فقط وقایعی را که در خصوص این افراد اتفاق افتاده نقل نموده‌اند و یا با بررسی آن وقایع و تعامل دولت یا حاکم وقت و نوع موضع‌گیری ایشان، آن را یکی از ملاک‌های صلاحیت یا عدم صلاحیت حکومت معرفی نموده‌اند.

۱- ترانس سکوالیسم در گذشته اتونیسیم نامیده می‌شد.

۲- به دلیل استهجان عناوین از ذکر آنها صرف نظر شده است.

با توجّه به مقدمه‌ای که ذکر گردید، وضعیت اخلاق، نوع نگاه جامعه، مذهب، قوانین و نحوه‌ی برخورد حکام و اندیشمندان ایران را در خصوص اخلاق و رفتار ترانس سکسوال‌ها، در قالب چهار دوره بررسی می‌نماییم:

الف- تا سال ۱۳۵۶ شمسی (۱۹۷۸ م):

در ایران باستان و قرون اولیه‌ی ورود اسلام به ایران، نشانی از انحطاط جنسی جامعه و برخورد فرصت طلبانه و سودجویانه نسبت به دگر جنس جویان مشاهده نمی‌گردد؛ اما با شروع دوره‌ی سامانیان نوعی بهره‌برداری جنسی نامشروع و سوء استفاده‌های جنسی نسبت به برخی رفتارهای دگر جنس جویانه آغاز می‌گردد.

در دوره‌ی غزنویان، متأسفانه این نوع اخلاق ناپسند، امری عرفی و عادی تلقی می‌شود. داستان مشهور سلطان محمود غزنوی در تاریخ و اشعار شاعرانی چون عنصری منوچهری و خصوصاً فرّخی در به تصویر کشیدن معشوقه‌ها، گویای انحطاط عمیق جنسی در این دوران می‌باشد.

در دوران سلجوقیان و خوارزمشاهیان، مکان‌ها و خانه‌هایی به صورت زیرزمینی و پنهانی جهت اعمال نامشروع و بهره‌برداری جنسی از دگر جنس جویان و حتی افراد دیگر تأسیس می‌گردد که راهی برای امرار معاش صاحبان منازل محسوب می‌گردد.

این اخلاق منحط ترکان، در دوران حکومت مغول‌ها که اوج عرفان در ایران است، از بعضی مشرب‌های منحرف سر بر می‌آورد. به نظر می‌رسد این موضوع در این دوران، علاوه بر این که یک نوع بیماری اخلاقی است، ریشه‌ها و مبانی فکری نیز داشته باشد؛ یعنی به گونه‌ای تحت تأثیر تعالیم افلاطون در کتاب ضیافت، به این مشرب‌ها راه یافته است. کتاب *تلبیس ابلیس* نوشته‌ی ابوالفرج ابن جوزی، از وعظ قرن

ششم، بازگو کننده‌ی تأثیر این تعالیم در این دوران بوده است؛ کتاب *مجالس العشاق* نیز گوشه‌ای از فرهنگ تیموریان را در این زمینه مشخص می‌نماید.^۱

در دوران صفویه، زنان از لحاظ پوشش، حفظ حجاب و حاضر شدن در اجتماع و انظار، وضعیت بسیار مطلوب و برتری نسبت به دوران مغول‌ها پیدا می‌نمایند. در سفرنامه‌ی بریاسیفیک، لباس زنان ایرانی این‌گونه توصیف می‌شود:

«لباس زنان ایران آنچه در ظاهر پیداست برای همه یکسان است، زیرا همه‌ی آنان فقط لباس گشاد سفید در بردارند که از نوک سر تا پاشنه‌های پا، همه جایشان را می‌پوشاند».^۲

اولتاریوس نیز، حاضر شدن زنان ایرانی در انظار را چنین توصیف می‌نماید:

«زنان در ایران هنگام گذشتن از کوچه‌ها، هرگز صورت خود را نشان نمی‌دهند، بلکه در زیر یک چادر سفید که تا ساق پایشان را پوشانده و فقط یک شکاف کوچک در محل چشم‌ها باز است که می‌توانند راه خود را ببینند، تردد می‌نمایند».^۳

همچنین الویه در خصوص حضور زنان در اجتماع چنین می‌نویسد:

«وقتی از بازار به طرف قلعه‌ی شهر می‌رفتم، زنان بسیاری را از طبقات مختلف می‌دیدم که در پناه چادر نفوذ ناپذیر خود به تفریح

۱- شمیسا، سروش، شاهد بازی در ادبیات فارسی؛ ر.ک: <http://goshtasb-iran.com>

۲- اسدی، مصطفی، تبارشناسی در ایران؛ ر.ک: rouznamak.blogfa.com/post-188.aspx

۳- اولتاریوس، مسافرت به مسکو، تاتارستان و ایران، ص ۸۱۹

می‌رفتند. کشف این نکته به آسانی میسر نبود که در زیر این چادر نفوذناپذیر چهره‌ی فقر نهفته است یا ثروت»^۱.

اما متأسفانه در این دوران یک واقعه‌ی بسیار ناگوار به وقوع می‌پیوندد. دولت برای کنترل و تعدیل مراکز فساد و فحشا، قوانینی را وضع می‌نماید که از جمله‌ی، آنها قوانین مالیاتی برای چنین مراکزی می‌باشد.^۲ اما این قوانین نه تنها از رسیدن به هدف مورد نظر خود باز می‌مانند، بلکه دو مشکل عمده را در کشور ایجاد می‌نمایند:

۱- وضع این قوانین نوعی مشروعیت بخشیدن به این مراکز خصوصاً از سوی مستشرقین تلقی می‌شود و به صورت ضمنی این مراکز رسمیت پیدا می‌نمایند. بازرگانان و نیزی در سفرنامه‌ی خود می‌نویسند: «زنان روسپی که در اماکن عمومی رفت و آمد می‌کنند به نسبت زیبایی خود مالیات می‌پردازند و هر قدر زیباتر باشند، باید بیشتر مالیات بدهند»^۳.

۲- وضع قوانین مالیاتی و همچنین مجازات‌های کیفری شدیدی چون خصی نمودن کسانی که به زنان یا جوانان خانواده‌های نجیب تجاوز می‌نمودند،^۴ نه تنها نتوانست از شیوع و افزایش فساد و فحشا بکاهد، بلکه سوء استفاده‌های جنسی به طور فزاینده‌ای در انحای مختلف، بروز نمود که شدیدترین و بیشترین حالت آن سوء استفاده از رفتار ترانس سکسوالی در برخی پسران و مردان و یا مجبور کردن و استثمار کردن برخی ذکور برای انجام حرکات زنانه بود. شاردن در این

۱- الیویه، مسافرت در گرجستان، ایران، ارمنستان و بابل قدیم، ج ۱، ص ۱۲۷.

۲- اسدی، مصطفی، تبارشناسی در ایران، ر.ک: rouznamak.blogfa.com/post-188.aspx

۳- سفرنامه‌ی شاردن، ج ۷، ص ۲۵۵.

۴- اسدی، مصطفی، تبارشناسی در ایران، ر.ک: rouznamak.blogfa.com/post-188.aspx

زمینه به مکان‌هایی چون مخنث‌خانه‌ها و قهوه‌خانه‌هایی اشاره می‌نماید که در آنها پراز ذکوری بوده است که خویشان را مانند زنان روسپی عرضه می‌داشتند و همچنین پسران گرجی ده تا شانزده ساله‌ای که به طرز شهوت‌انگیزی لباس پوشیده و زلفان خود را به مانند دختران، می‌بافتند و با پرداختن به رقص و نمایش در قهوه‌خانه‌ها به مسایل ضد اخلاقی مبادرت می‌ورزیدند.^۱

در دوران قاجار نیز همچون دوران صفویه، خانواده‌های نجیب و با ایمان ایرانی، به شدت نسبت به اموری چون حفظ حریم زنان و جدایی جنسیتی و عدم اختلاط بین زن و مرد در مجالس اهمیت می‌دادند؛ معماری ساختمان‌ها در قالب اندرونی و بیرونی، پذیرایی از میهمان زن توسط زنان و میهمانان مرد توسط مردان، مجزا بودن پیاده‌روهای مردان و زنان در خیابان‌های پر جمعیتی چون لاله‌زار، شاه آباد، امیریه و... ممنوعیت سوار شدن مردان و زنان در یک درشکه،^۲ همه حاکی از وضعیت مطلوب کنترل اجتماعی و فردی در آن دوران بوده است و اگر در برخی آثار مکتوب آن دوران چون دیوان قانلی شیرازی و شاعر اواخر دوران قاجار، ایرج میرزا، پرداختن به برخی مسایل ضد اخلاقی دیده می‌شود،^۳ صرفاً برای ادخال سرور (شاد کردن دیگران) و مزاح بوده است نه آن‌که به نوعی حاکی از وضعیت اجتماعی و فرهنگی مردم آن دوران باشد.

۱- سفرنامه‌ی شاردن، ج ۷، ص ۲۵۵ - ۲۵۷.

۲- سلامتی، غلامرضا و افسانه نجم آبادی، نهضت نسوان شرق، ص ۲۹۹.

۳- ر.ک: <http://goshtasbiran>

با شروع دوران پهلوی، به ویژه در اواخر دوره‌ی رضاشاه، تمام مدارس و مؤسّسات آموزشی به ویژه دانشگاه تهران، شروع به پذیرش دانشجویان دختر می‌نمایند، نخستین دبیرستان‌های مختلط به وجود می‌آید، سینماها، کافه‌ها و هتل‌ها مجبور به پذیرش زنان می‌شوند. سال ۱۳۱۳ شمسی کشف حجاب صورت می‌گیرد، به مقامات عالی رتبه دستور داده می‌شود که با همسران بی‌حجاب خود در میهمانی‌های رسمی شرکت نمایند، کارگران رده پایین نیز مجبور می‌گردند تا همراه زنان بی‌حجاب خود در خیابان‌های اصلی گردش نمایند.^۱

در زمان محمدرضا پهلوی نیز، کشف حجاب برداشته می‌شود، امّا همچنان ترویج بی‌بند و باری و احداث مراکز فساد و فحشا در دستور کار دولت قرار دارد.

در این دوران، خبر عمل جراحی تغییر جنسیت در غرب و تشریح وضعیت بیماران دچار اختلال به ایران وارد می‌شود و از این زمان تلاش و فعالیت این بیماران، که در تاریخچه‌ی همپالکی‌های گذشته‌ی خود، هیچ نقطه‌ی روشنی را نمی‌دیدند برای درمان، آغاز می‌گردد.

ب- ۱۳۵۶ - ۱۳۶۴ شمسی (۱۹۷۸ - ۱۹۸۶ میلادی):

در سال ۱۳۵۶ شمسی؛ یعنی یک سال قبل از پیروزی انقلاب، اتفاقی رخ می‌دهد که به عنوان نقطه عطفی در تاریخ ترانس سکسوال‌ها در ایران تلقی می‌شود. این حادثه نگاه خاص و متفاوتی بود که از منظرگاه فقه به افراد دچار اختلال صورت گرفته بود.

امام خمینی (ره) در حالی که دوران تبعید خود را در پاریس سپری می‌کنند نامه‌ای از شخصی به نام فریدون دریافت می‌دارند. در این نامه وضعیت فریدون که یک ترانس سکسوال است برای حضرت امام توضیح داده شده است. آن فقیه آگاه و شجاع با درک عمیق از این نوع اختلال، چنین بیان می‌دارند:

«وضعیت شما با یک هم‌جنس‌گرا تفاوت دارد»^۱.

و این نقطه‌ای بود که اینرسی سکون رنج کشیدگانی را که مذهب، همانند جنسیت حقیقی‌شان در دل و روحشان تنیده شده بود، به جنبش در آورد و آینده‌ای را برای آنان به تصویر کشید که بدون ذبح عقیده، مسلک و شخصیت خود به آنچه دیگران از آن لذت می‌برند، دست یابند.

اندریندنت در مقاله‌ای تحت عنوان «تغییر جنسیت در ایران»، ضمن اسطوره‌ای خواندن فتوای امام خمینی (ره) به مصاحبه‌ای که با برخی ترانس سکسوال‌ها در ایران انجام گرفته است اشاره می‌نماید و از قول یکی از این افراد که بنگاه‌داری سی ساله است و چند سال پیش با عمل تغییر جنسیت رسماً به جرگه‌ی مردان در آمده است، چنین می‌نویسد:

«قبلاً اصلاً به مسجد نمی‌رفتم، نمی‌خواستم مجبور شوم چادر سر کنم. حالا هیچ وقت نمازم را ترک نمی‌کنم». میلاد با خواندن نماز، روزی پنج بار از خدا تشکر می‌کند و در همین حال برای آیه الله

۱- «افزایش عمل‌های تغییر جنسیت در ایران»، مقاله‌ای از: نیویورک تایمز، ص ۱، ر.ک: www.pezeshk.us

خمینی (ره) نیز نماز می خواند، او می گوید: «اگر آیه الله خمینی (ره) نبود، همه دو جنسیتی ها مجبور می شدند ایران را ترک کنند».^۱

اما این سرآغاز، با دشواریها و مشکلات فراوانی روبه رو بود. از لحاظ شرعی این مسأله تا حدودی وضعیتش روشن گردیده بود، اما نه عرف حاضر می شد باورهای سنتی و عمیق خود را که در طول سالیان دراز در فرهنگ و آداب و رسوم تاریخی اش ریشه دوانده بود، قطع نماید و نه قانونگذاران توانسته بودند تصویر واضحی از این موضوع ترسیم نمایند، تا بتوانند قوانین مقتضی را برای این افراد صادر نمایند. لذا از بین این افراد، گروهی که تمکن مالی کافی و ارتباطهای لازم را دارا بودند با خروج از ایران، در کشورهای دیگر تحت عمل جراحی قرار می گرفتند و در قالب جنسیت مطلوب خود به زندگی ادامه می دادند و دسته ی دیگر نیز که جذب گروه های منحرف و افراد سودجو می شدند به کشورهای همسایه، نظیر ترکیه منتقل گردیده و در آنجا مورد سوء استفاده قرار می گرفتند.^۲ کسانی هم که در کشور می ماندند معمولاً در صورت دستگیر شدن، مجرم قلمداد می شدند و هم ردیف با همجنس گرایان، قوانین کیفری در مورد آنها به اجرا گذارده می شد.

این وضعیت همچنان تا سال ۱۳۶۴ شمسی ادامه می یابد تا این که با اتفاق دیگری بسیاری از مشکلاتی که از سال ۱۳۵۶ تا این سال، همچنان گریبانگیر ترانس سکسوال ها بود، مرتفع می گردد.

۱- «تغییر جنسیت در ایران»، مقاله ای از: *آیند بیندنت*، صص ۱-۲، ر. ک: www.pezeshk.us

۲- نوربالا، احمد علی، *جلسه ی دفاع کارشناسی ارشد*، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷/۷/۲.

ج- سال ۱۳۶۴-۱۳۷۶ شمسی (۱۹۸۶-۱۹۹۷ میلادی):

آنچه که در سالیان قبل، شرعیتش محرز گردیده بود، اکنون جنبه‌ی قانونی نیز پیدا می‌کند. فریدون که در سال ۱۳۵۶ شمسی وضعیت خود را برای امام (ره) توضیح داده بود، اکنون در سال ۱۳۶۴ شمسی موفق می‌گردد از دولت جمهوری اسلامی ایران، اجازه‌ی عمل تغییر جنسیت را دریافت نماید.^۱ این مجوز قانونی که با پشتوانه‌ی فتوای بزرگ‌ترین مرجع شیعه در کشوری اسلامی با مذهب تشیع صادر گردیده بود، در حالی به جهان ادیان معرفی می‌گشت که کلیسای مسیحی آن را غیر مجاز^۲ و فقهای اهل سنت نیز آن را عملی غیر مشروع^۳ و تغییر در خلقت خدا قلمداد می‌نمودند.

در طول این سالها علاوه بر این که در این موضوع یک رویه فقهی و قانونی به وجود آمد و بر اثر آن افراد بیمار جسمی یا روحی می‌توانستند زیر نظر پزشکان تغییر جنسیت بدهند، وضعیت آنها نیز تا حدودی برای مجریان قانون روشن گردید و از صف همجنس بازان خارج گردیدند.

د- سال ۱۳۷۶ شمسی (۱۹۹۷ م) به بعد:

در این دوران نقش دولت در قبال ترانس سکسوال‌ها بسیار پررنگ‌تر می‌شود و نوع نگاه به آنها به کلی متحوّل می‌گردد. آنان آسیب دیدگانی در جامعه محسوب می‌شوند که باید از خدمات حمایتی دولت

۱- «افزایش عمل‌های تغییر جنسیت در ایران»، مقاله‌ای از: نیویورک تایمز، ص ۱، ر.ک.

www.pezeshk.us

۲- کریمی نیا، محمد مهدی، تغییر جنسیت از نظر فقهی، ص ۱، ر.ک. www.ghasedaknews.com

۳- رابطه العالم الاسلامی، قرارات المجمع الفقہی الاسلامی، ۱۴۲۳ ق/ ۲۰۰۲ م / ص ۲۶۲؛ کنعان،

احمد محمد، الحب والجنس، ص ۴۰.

برخوردار گردند. به این منظور در سال‌های اولیه، بعضی از این افراد با هزینه‌ی دولتی جهت عمل تغییر جنسیت به خارج اعزام می‌گردند،^۱ سپس کمیته‌ای زیر نظر سازمان بهزیستی برای رسیدگی به وضعیت این افراد تشکیل می‌شود و یک رویه‌ی مشخص از زمان تصمیم‌گیری تا هنگام عمل تغییر جنسیت، به وجود می‌آید و کمک هزینه‌هایی نیز برای افراد متقاضی در نظر گرفته می‌شود،^۲ لذا در طول این سال‌ها با یک سیر صعودی خیره‌کننده از تقاضاهای متعدد و عمل‌های تغییر جنسیت روبه رو هستیم.

محقق، محمدمهدی کریمی‌نیا، ارایه دهنده‌ی رساله‌ی دکترای تغییر جنسیت، در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، در این زمینه چنین می‌گوید:

«در کشور ما هر هفته یک تغییر جنسیت صورت می‌گیرد و همین مسأله سبب شده تا در دنیا، تهران پایتخت تغییر جنسیت نامیده شود».^۳

با تشکیل نهادها و سازمان‌هایی که مقامات حقوقی از قوه‌ی قضائیه و مجریه نیز در تشکیل و اداره‌ی آن نقش داشتند و همچنین تشکیل تشکلهای غیر دولتی، وضعیت ترانس سکسوال‌ها در ایران تا حدودی رو به بهبودی پیش می‌رود.^۴

در این دوران، هنوز مشکلات متعددی چون هزینه‌ی بالای عمل جراحی، عدم استفاده از تکنولوژی مرسوم در دنیا، نبود مراقبت‌ها و

۱- «افزایش عمل‌های تغییر جنسیت در ایران»، مقاله‌ای از: نیویورک تایمز، ص ۱، ر.ک.

www.pezeshk.us

۲- «تغییر جنسیت جنسی (پدیده‌ی قرن ۲۱) در ایران و جهان»، مصاحبه با کارشناس سازمان بهزیستی، ص ۲،

ر.ک: <http://forum.prsiantools.com>

۳- کریمی‌نیا، محمدمهدی، «تغییر جنسیت از نظر فقهی»، ص ۱، ر.ک. www.ghasedaknews.com

۴- «افزایش عمل‌های تغییر جنسیت در ایران»، مقاله‌ای از: نیویورک تایمز، ص ۱، ر.ک.

www.pezeshk.us

حمایت‌های بعد از عمل، مشکلات جسمی که در اثر جراحی‌های ناموفق برای فرد بروزمی نماید و دور بودن از استانداردهای بین‌المللی در پروسه‌ی تغییر جنسیت از جمله گذراندن زندگی آزمایشی دو تا پنج ساله قبل از عمل، همواره افراد دچار اختلال را می‌آزرده است، اما آنچه که بیش از هر چیز دیگری، مانع لذت بردن و عملکرد صحیح آنان شده، این است که تاکنون این عمل مشروع در فرهنگ عامه‌ی مردم نه تنها مقبولیتی پیدا نکرده است، بلکه اصولاً یک عمل ضد اخلاقی و انسانی از طرف اکثر خانواده‌های دچار اختلال و نزدیکان آنها قلمداد می‌گردد. لذا هر چند در سالیان گذشته با فتوای بیش از بیست و دو نفر از فقها^۱ مشروعیت این عمل تثبیت گردیده و با ایجاد قوانین و رویه‌های خاص، قانونگذار به مدد این افراد شتافته است، اما با تشکیل نشدن ضلع سوم، یعنی پذیرش عرف و قبول فرهنگ عامه، این پروسه در جامعه‌ی ایران تا کنون از کسب شکل حقیقی و واقعی خود، عاجز مانده است. در این راستا در بخش جداگانه‌ای به این موضوع که شاکله‌ی مبحث اخلاق و رفتار ترانس سکسوال‌ها در خانواده و جامعه را تشکیل می‌دهد می‌پردازیم.

نکته‌ی حایز اهمیت دیگری که باید بدان توجه خاص و ویژه‌ای مبذول داشت، آن است که در فرهنگ‌هایی نظیر میهن ما که در طول تاریخ به خصوصیات مردانه توجه بیشتری صورت گرفته و همواره دارا بودن موقعیت مردانه در فرهنگ مردم، یک امتیاز محسوب می‌شده است، تغییر جنسیت مرد به زن به مراتب از مشکلات و موانع عرفی و

۱- کریمی‌نیا، محمد مهدی، «تغییر جنسیت از نظر فقهی»، ص ۱، ر.ک. www.ghasedaknews.com

اجتماعی بیشتری نسبت به تغییر جنسیت زن به مرد برخوردار است. همچنین به همان اندازه که برخی حرکات مردانه از طرف زنان ترانس سکسوال از طرف جامعه تحسین برانگیز است و منسوب شدن به القاب ارزشی خاص چون شیرزن و ... را در پی خواهد داشت، به همان مقدار انجام حرکات زنانه از طرف مردان ترانس سکسوال، تقبیح اجتماع را به دنبال داشته و القاب توهین آمیز را نثار آن‌ها می‌کند؛ لذا در بررسی رفتار، اخلاق و عملکرد ترانس سکسوال‌ها در ایران، نباید وضعیت این دو گروه و مشکلات و معضلات آنان، یکسان تلقی گردد.

ادامه دارد.

منابع

الف - فارسی

۱. اولثاریوس، آدام، سفرنامه اولثاریوس، ترجمه: احمد بهپور، چ ۱، تهران: ابتکارنو، ۱۳۸۵ ش.
۲. آلیویه، مسیو و دیگران، سفرنامه اولیویه، چ ۱، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱ ش.
۳. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، چ ۷، تهران: سمت، ۱۳۸۴ ش.
۴. خدیوی زن، محمّد، بررسی مشکلات روان جنسی کودکان ونوجوانان، تهران: تربیت، ۱۳۷۱ ش.
۵. روزنهان، دیویدال و مارتین ای. پی. سلیگمن، روانشناسی نابهنجاری - آسیب شناسی روانی، ترجمه یحیی سید محمّدی، چ ۲، ج ۱، تهران: ساوالان، ۱۳۷۹ ش.
۶. ریسی، فیروزه و عباسعلی ناصحی، اختلال هویت جنسی، چ ۱، تهران: صدا و قصیده، ۱۳۸۳ ش.
۷. سلامتی، غلامرضا و افسانه نجم آبادی، نهضت نسوان شرق، تهران: شیرازه.
۸. شاردن، ژان، سفرنامه شاردن، ترجمه: اقبال یغمایی، چ ۱، تهران: توس، ۱۳۷۴ ش.
۹. شمیسا، سیروس، شاهد بازی در ادبیات فارسی، تهران: فردوس، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. کاپلان، هارولد و بنیامین سادوک و جک گرب، خلاصه‌ی روانپزشکی، ترجمه: نصرت الله پور افکاری، چ ۲، ج ۲، تهران: شهاب، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی، چ ۷، تهران: صدرا، ۱۳۷۲ ش.

۱۲. مهرابی، فریدون، «بررسی برخی از ویژگی‌های تبدیل خواهی جنسی در بیماران ایرانی»، در: *اندیشه و رفتار*، سال دوم، ش ۳ (زمستان ۱۳۷۴) ص ۶-۱۲.

ب- عربی

۱۳. ابی شیبه، ابوبکر عبدالله ابن محمد الکوفی، المصنف، الطبعة الاولى، الرياض: مكتبة الرشد، ۱۴۰۹ق.

۱۴. البیهقی، احمد ابن الحسين بن علی بن موسی ابوبکر بوبکر، سنن البیهقی الكبرى، مكة المكرمة: مكتبة دار الباز، ۱۴۱۴ق.

۱۵. الغمری، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، التمهيد لابن عبدالبر، المغرب: وزارة عموم الاوقاف الشؤون الاسلاميه، ۱۳۸۷ق.

۱۶. القرطبی، ابو عبدالله، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۹۵۲م.

۱۷. المنزری، ابوالمحمد عبدالعظیم بن عبدالقوی، الترغیب والترہیب، الطبعة الاولى، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.

۱۸. النسائی، احمد ابن شعيب ابو عبدالرحمان، السنن الكبرى، الطبعة الاولى، بیروت: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.

۱۹. النیشابوری، مسلم ابن الحجاج ابو الحسن القشیری، صحیح المسلم، بیروت: دارالحیاء، ۱۹۸۳م.

۲۰. الهیثمی، علی ابن ابی بکر، مجمع الزوائد، قاهره: دار الریان، ۱۴۰۷ق.

سایت ها:

1. <http://forum.persiantools.com>.
2. www.ghasedak.news.com.
3. <http://goshtasb.ir>.
4. www.pezeshk.us.
5. www.pfc.org.uk.
6. rouznamak.blogfa.com/post-188.aspx.